

## کودک پند مستقیم را بر نمی‌تابد

اکثر روانشناسان امروزی، حداقل در این مورد اتفاق نظر دارند که دوره کودکی بسیار مهم است اما باید توجه داشت که پدران و مادران با شیوه‌های پرورش و تربیت کودکان تا چه اندازه آشنایی دارند.



### نقش و تاثیر رفتارهاي غيرکلامي در پرورش فرزندان

#### کودک پند مستقیم را بر نمی‌تابد

اکثر روانشناسان امروزی، حداقل در این مورد اتفاق نظر دارند که دوره کودکی بسیار مهم است اما باید توجه داشت که پدران و مادران با شیوه‌های پرورش و تربیت کودکان تا چه اندازه آشنایی دارند.

معمولا بیشتر والدین سعی می‌کنند در تربیت فرزندان خود بهترین راهکار را انتخاب کنند تا در آینده از جایگاه تحصیلی، ورزشی، هنری و شغلی مناسبی برخوردار شوند.

کودکان در حال رشد براساس روشی که در سال‌های اولیه زندگی‌شان اعمال می‌شود، تربیت می‌شوند و آموزش می‌بینند و سبک رفتاری خاصی پیدا می‌کنند. این سبک رفتاری تعیین‌کننده نحوه ارتباطات و برخوردهای آنان در طول زندگی‌شان است که باعث می‌شود کودکانی با شخصیت‌های بسیار متفاوت و متمایز شکل بگیرند.

دانشمندان و روانشناسان تاثیر محبت پدر و مادر در کودک را فراتر از امکانات رفاهی و اقتصادی تخمین زده‌اند و می‌گویند کودک لباس پرزرق و برق و گرانبیعت را بدون مهر والدین دوست ندارد و جویای محبت واقعی و کارساز است اما یک لباس ساده و کهنه که با تحسین‌های ساده‌ای مثل #171؛ چقدر زیبا شده‌ای» و #171؛ این لباس چقدر به تو می‌آید» همراه باشد در نظر کودک به لباس رویاها تبدیل می‌شود. اسباب‌بازی‌های گرانبیعت رنگارنگ به تنهایی کودک را ارضا نمی‌کند اما بازی با پدر و مادر بدون هیچ اسباب‌بازی‌ای بهترین لحظات را برایش رقم می‌زند. کودکی که در ذهنش، مادیات به عنوان یک عامل اساسی خوشبختی نقش می‌بندد فرد پرتوقعی بار می‌آید تا جایی که برای رسیدن به خواسته‌هایش به پدر و مادر امر و نهی می‌کند و انتظار دارد همه خواسته‌های معقول و غیرمعقولش توسط بزرگترها به سرعت برآورده شود و تحمل ناکامی را در به دست آوردن آنچه مطالبه می‌کند ندارد.

بنابراین، اینگونه فرزندان به هیچ عنوان با مدل صرفه‌جویی آشنا نخواهند شد و انسان‌هایی با شخصیت‌هایی متزلزل بار خواهند آمد. به عقیده روانشناسان اگر والدین نتوانند در دوران کودکی و مراحل رشد الگوی صحیح تربیت، صرفه‌جویی و توقع را به فرزندانشان بیاموزند به طور حتم در جوانی بر آنان حکومت خواهند کرد و طبیعتا چون هنوز به درجه رشد و تکامل نرسیده‌اند، نمی‌توانند از تدبیر و عقلشان کمک بگیرند بنابراین دچار مشکل می‌شوند و والدین را نیز درگیر خواهند کرد.

یکی دیگر از مسائلی که خانواده‌های ایرانی با آن درگیر هستند نوع تربیت فرزند اول با فرزندان بعدی است. اولین فرزند معمولا از موقعیت برتری برخوردار است. این موقعیت تا زمان تولد دومین فرزند ادامه می‌یابد ولی با تولد فرزند دوم ناگهان محبت و توجه والدین و حتی اطرافیان نسبت به فرزند اول کمتر می‌شود و همه محبت‌ها به سوی فرزند دوم گرایش پیدا می‌کند. باید روشی به کار برد که بچه‌ها گمان نکنند سزاوار احترام و امتیاز خاصی هستند و از سوی دیگر فکر نکنند که حقوق آنان نسبت به دیگران کمتر رعایت شده یا حقی از آنان ضایع شده است.

عامل دیگری که در تربیت کودک موثر است، تربیت غیرکلامی و نامحسوس است. تربیت غیرکلامی منبعی اثرگذار است و رضایت درونی کودک را فراهم می‌آورد. کودکان مورد نصیحت قرارگرفتن را دوست ندارند و در مقابل نصیحت بزرگترها یا صحنه را ترک می‌کنند و بعد آن رفتار را تکرار می‌کنند و یا اینکه به جر و بحث با بزرگترها می‌پردازند. کودکان معمولا آنچه را که می‌بینند بهتر یاد می‌گیرند؛ یعنی والدینی که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند و به وحدت در گفتار و عمل می‌رسند الگوی مناسبی برای فرزندان خود هستند. به عنوان نمونه اگر والدین دوستدار کتاب و اهل مطالعه باشند فرزندان نیز به تاسی از والدین خود علاقه‌مند به کتاب خواهند شد و نیازی به نصیحت و پند نیست.

روانشناسان از این رویکرد به عنوان یک اصل مهم تربیتی یاد می‌کنند و متذکر می‌شوند که کودکان نیازمند الگوهایی قابل قبول و

مطمئن هستند و کلام والدین هنگامی در فرزندان تاثیر می‌گذارد که آنها نمونه‌ای عینی برای بچه‌ها باشند. گذشته از آن هرچقدر ارتباط کلامی منفی‌تر باشد عصبانیت و رنجش و احساسات منفی در کودکان بیشتر می‌شود. اگر 3 بار در روز با فرزند خود صحبت کنید و هر سه بار آن منفی باشد رفتار او به مراتب بدتر از آن می‌شود که تصورش را می‌کنید. فرزندان که ارتباط مثبت بیشتری از والدین خود دریافت می‌کنند تمایل بیشتری برای صحبت با آنها دارند و در نتیجه رابطه آنها با والدین خود صمیمانه‌تر و متکی به اعتماد خواهد بود و والدین به تکیه‌گاهی مطمئن برای درددل کردن و راهنمایی فرزندان خود تبدیل می‌شوند.